

توصیف و تبیین ساخت‌های زبانی ایدئولوژیک در تحلیل گفتمان انتقادی

فردوس آقاگل‌زاده*

دانشیار گروه زبان‌شناسی همگانی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

دریافت: ۹۰/۷/۲۶

پذیرش: ۹۰/۹/۱۲

چکیده

در تحقیقات تحلیل گفتمان انتقادی اصطلاح تخصصی «ساخت‌های زبانی ایدئولوژیک» مفهومی بنیادی است که در نزد محققان تحلیل گفتمان مفهومی انتزاعی و مبهم است و تحقیق حاضر با روش تحلیلی-توصیفی درصدد حل این مسئله در قالب پرسش‌های زیر است: ساخت زبانی و ایدئولوژی و به‌دنبال آن ساخت زبانی ایدئولوژیک چیست، و چگونه تعریف می‌شوند، چگونه در متون، بازنمایی و عینیت می‌یابند و بالاخره تحلیلگر تحلیل گفتمان انتقادی با استفاده از چه مفاهیم نظری و راهبردهایی می‌تواند این‌گونه ساخت‌ها را تحلیل کند؟ ساخت‌های زبانی نمودهای عینی نظام‌های آوایی و واجی، ساختارهای، نحوی و گفتمانی و کاربردشناختی هر زبان هستند و ایدئولوژی‌ها، نظام‌های عقاید، باورها و باید و نبایدهایی هستند که اشتراکات گروه‌های اجتماعی - شناختی را منعکس می‌کنند. ساخت‌های زبانی ایدئولوژیک آن دسته از ساخت‌های زبانی هستند که علاوه بر معنای کنش بیانی در گفتمان خاص، معنای کنش منظورشناختی و کنش تأثیری خود را به‌دست می‌آورند؛ یعنی این گفتمان با ایدئولوژی خاص خود است که معانی و پیام موردنظر را معین می‌کند و همیشه ساخت‌های ایدئولوژیک دارای معانی بیش از صورت زبانی هستند. همه متون به صورت بالقوه می‌توانند متشکل از ساخت‌های ایدئولوژیک باشند و تحلیلگر گفتمان انتقادی با بهره‌مندی از مفاهیم و راهبردهای زبان‌شناختی و علوم اجتماعی می‌تواند تحلیل علمی از متون ارائه کند؛ همان‌طور که در متن مقاله حاضر روی عناوین روزنامه به‌طور عملی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: تحلیل گفتمان، ساخت‌های زبانی، ایدئولوژی، راهبرد زبان‌شناختی، تحلیل متن.

Email: Aghagoloz @modares.ac.ir

*نویسنده مسئول مقاله:

آدرس مکاتبه: تهران، تقاطع بزرگراه جلال آل احمد و شهید چمران، پل نصر، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، گروه زبان‌شناسی همگانی، صندوق پستی: ۱۳۹-۱۴۱۱۵.

۱. مقدمه

تحلیل گفتمان انتقادی، خواه به عنوان یک روش و خواه به عنوان یک نظریه در زبان‌شناسی و علوم اجتماعی، در سال‌های اخیر مورد توجه اندیشمندان علوم انسانی قرار گرفته است، زیرا به عنوان روش تحقیق از نوع کیفی به تراوشات فکری انسان در عصر پسامدرن و معنادهی رویدادها و کنش‌ها در قالب ساخت‌های زبانی در تعامل اجتماعی و بینافردی می‌پردازد و معناسازی و بازتعریف آن در ارتباط دوسویه زبان، گفتمان و ایدئولوژی در بافت‌ها و نهادهای اجتماعی صاحب نفوذ و قدرت در جامعه را تفسیر و تبیین می‌کند.

با توجه به اقبال این نوع تحقیقات در مجامع دانشگاهی، به‌ویژه رشته‌های زبان‌شناسی و علوم اجتماعی و ارتباطات و علوم سیاسی هدف تحقیق حاضر این است که ساخت‌های زبانی ایدئولوژیک را که مفهومی بنیادی و مبهم است و در تحقیقات تحلیل گفتمان انتقادی نقش محوری ایفا می‌کند، از نظر نظری و عملی با تحلیل شواهد عینی زبان توصیف و تبیین نماید. زیرا عدم وجود تعریف مشخص از این مفهوم بنیادی و عدم تشخیص آن‌ها توسط برخی تحلیلگران انتقادی و به دنبال آن ارائه تحلیلی نه چندان دقیق از متن، مسئله مهمی در تحقیقات زبان‌شناسی است که مقاله حاضر با روش تحقیق تحلیلی-توصیفی و کیفی انواع چنین ساخت‌های زبان‌شناختی اعم از ساختوازی، معنایی، نحوی و کاربردشناسی را در چارچوب نظری نورمن فرکلاف با تجزیه و تحلیل صورت زبانی در مرحله توصیف و ارتباط آن‌ها با گفتمان و جامعه و منابع قدرت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در اجتماع، تفسیر و تبیین می‌کند و نشان می‌دهد که ساخت‌های ایدئولوژیک کدامند، مبنای بار ایدئولوژی داشتن این‌گونه ساخت‌های زبانی چیست، و چگونه در تولید معنا و القای آن بر مخاطب عمل می‌کنند؟ از اهداف تحقیق حاضر این است که به علاقه‌مندان این حوزه علمی نشان دهد که در این‌گونه تحقیقات تنها تحلیل و تفسیر برخی عناوین روزنامه‌ها، آن هم به شیوه تفسیری و استناد به برخی از اصطلاحات کلیشه‌ای تحلیل گفتمان انتقادی و جامعه‌شناسی، از جمله مفهوم ساخت‌های ایدئولوژیک بدون پرداختن به توصیف زبان‌شناختی و مبنای کاربردشناختی که این روزها باب شده است، کافی نیست.

از جهت نوآوری تحقیق می‌توان گفت که توصیف مفهوم بنیادی «ساخت‌های ایدئولوژیک» و رفع ابهام از آن و چگونگی تشخیص و تفسیر آن‌ها به طور عملی در تحلیل گفتمان انتقادی

متون فارسی از نوآوری‌های تحقیق حاضر است، زیرا در آثار تحلیلگران گفتمان انتقادی فارسی از قبیل آقاگل‌زاده (۱۳۸۳، ۱۳۸۵) و سلطانی (۱۳۸۷) و سایر محققان آگاهی و آشنایی این مفهوم بنیادی، یعنی «ساخت‌های ایدئولوژیک» پیش فرض شده است و به آن نپرداخته‌اند که مفصل‌تر آن در پایان بخش پیشینه تحقیق خواهد آمد.

۲. پیشینه تحقیق

پیشینه اولیه تحقیقات تحلیل گفتمان انتقادی به دنیای غرب برمی‌گردد. مقاله‌ها و کتاب‌های فراوانی در این خصوص نوشته شده است. مشهورترین نظریه‌پردازان تحلیل گفتمان انتقادی با رویکردهای مختلف عبارت‌اند از فاولر، فرکلاف، وداک، وان‌دایک، کرس، ون‌لیوون و ریچارسون که از تحقیقات مهم و تأثیرگذار در این حوزه می‌توان به تحقیقات فاولر و دیگران (۱۹۷۹) با عنوان «زبان و کنترل» اشاره کرد. تحقیق فرکلاف (۱۹۸۹) با عنوان «زبان و قدرت» که شاید بتوان از آن به عنوان تأثیرگذارترین منبع یاد کرد، حاوی مطالبی همچون تحلیل گفتمان انتقادی در عمل: سطح توصیف، سطح تفسیر، سطح تبیین و نقش تحلیلگر است. تحقیق فرکلاف (۱۹۹۵) با عنوان «تحلیل گفتمان انتقادی» حاوی مطالبی همچون زبان و ایدئولوژی، بازنمون گفتمان در گفتمان رسانه‌ها، اهداف انتقادی و توصیفی در تحلیل گفتمان، گفتمان و متن، تحلیل‌های زبان‌شناختی و بینامتنی در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی است و تحقیق دیگر او (۲۰۱۰) با عنوان «تحلیل گفتمان انتقادی» که در واقع به لحاظ محتوا چاپ دوم کتاب‌های *تحلیل گفتمان انتقادی و زبان و قدرت و گفتمان و تغییرات اجتماعی*، به همراه بازنگری‌ها و افزوده‌های جدید، حاوی ۲۳ مقاله است که در زمینه تحلیل گفتمان انتقادی در طی ۲۵ سال از سال ۱۹۸۳ تا ۲۰۰۸ توسط وی نوشته شده است که البته چهار مقاله آن مشترک است.

وان دایک کتاب‌ها و مقالات متعددی در این زمینه نوشته که از آن جمله می‌توان به مقاله «تحلیل گفتمان انتقادی» (۲۰۰۱) اشاره کرد. ریچاردسون (۲۰۰۷) کتابی با عنوان *تجزیه و تحلیل روزنامه‌ها (رویکردی از تحلیل گفتمان انتقادی)*، واردو جانسون (۲۰۰۸)، ماریان یورگنسن و لوئیز فیلیپس با کتاب *تحلیل گفتمان و نظریه و روش* (۲۰۰۲) نیز از جمله محققان این حوزه در مجامع علمی غرب به‌شمار می‌روند.

در میان محققان ایرانی که به تحلیل گفتمان انتقادی پرداخته‌اند می‌توان از دبیرمقدم (۱۳۷۸)، یارمحمدی (۱۳۸۵، ۱۳۸۷)، آقاگل‌زاده (۱۳۸۳، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۹) و سلطانی (۱۳۸۷) نام برد و البته پایان‌نامه‌ها و مقالات متعددی با تکیه بر یکی از رویکردهای تحلیل گفتمان انتقادی انجام شده است که شرح آن‌ها در این مختصر نمی‌گنجد.

آنچه در آثار محققان بالا دیده نمی‌شود و سبب نوآوری تحقیق حاضر شده است این است که برخی به «ساخت‌های زبانی ایدئولوژیک» اصلاً نپرداخته‌اند؛ مانند دبیرمقدم که در کتاب *زبان‌شناسی نظری، پیدایش و تکوین دستور زایشی* (۱۳۸۷) تنها به یک زیرنویس اکتفا کرده است؛ البته دلیل آن هم منطقی است زیرا عنوان کتاب در زمینه تحلیلگران گفتمان انتقادی نبوده است که بخواهد به آن بپردازد؛ لذا ایرادی بر این اثر ارزشمند وارد نیست. برخی دیگر مانند یارمحمدی، آقاگل‌زاده و سلطانی آشنایی تحلیلگران گفتمان انتقادی با «ساخت‌های زبانی ایدئولوژیک» و چگونگی تشخیص و تفسیر این‌گونه ساخت‌های زبانی بر اساس مفاهیم نظری گفتمانی و کاربردشناختی از قبیل کنش‌های گفتار، پیش‌فرض، دانش زمینه و مفاهیم اجتماعی را پیش‌فرض گرفته‌اند و در آثارشان به این مقوله‌ها نپرداخته‌اند.

در همه آثار بالا موضوع گفتمان‌شناسی انتقادی در واقع تحلیل سیاسی و اجتماعی از متون است که از توصیف زبان‌شناختی متون آغاز شده، بیشتر بر نابرابری‌های اجتماعی جامعه تأکید کرده و درنهایت به ارتقاء سطح آگاهی انتقادی مردم و تغییر و اصلاح در جامعه چشم دوخته است و در این راستا ساخت‌های زبانی ایدئولوژیک نقش بارزی در همه مراحل تحلیل ایفا می‌کنند، زیرا به نظر تحلیلگران گفتمان انتقادی صاحبان قدرت از طریق دسترسی خاص و تبعیض‌آمیز به منابع قدرت این توان را دارند که افکار عمومی مردم را از طریق ساخت‌های زبانی آغشته به ایدئولوژی خاص کنترل کنند (Van Dijk, 1998) و اعمال ناعادلانه خود را منصفانه و دلسوزانه معرفی کنند و تصمیم‌گیری‌های خود را چنان بر مردم القا کنند که گویی این مردم هستند که به دلخواه خود تصمیم می‌گیرند و انتخاب می‌کنند. اما در حقیقت چنین نیست؛ تحلیلگران گفتمان انتقادی بین ظالم و مظلوم در جامعه بی‌تفاوت نیستند و با تکیه بر روش علمی و اصول و راهبردهای زبان‌شناسی انتقادی، مدافع حق و طرفدار مظلومند (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۶۵). در این فرایند تصمیم‌سازی و بازتعریف مفاهیم و معانی واژه‌ها برای نظارت بر اذهان و افکار، نقش رابطه زبان، ایدئولوژی و گفتمان در

شکل‌دهی افکار جامعه چه در جهت حفظ گفتمان‌های غالب و چه در جهت تغییر و اصلاح آن‌ها در همه تحقیقات انجام‌شده آثار بالا دیده می‌شود.

۳. مبانی و مفاهیم نظری تحقیق

اندیشه در دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی همان سیالیت و انتقال معنی از متنی به متن دیگر، از گفتمانی به گفتمان دیگر و از رویدادی به رویداد دیگر است (Silverstone, 1999: 13) و تحلیل گفتمان انتقادی مبتنی بر هستی‌شناسی اجتماعی و واقع‌گراست که هم رویدادهای عینی و ملموس اجتماعی و هم ساختارهای ذهنی اجتماعی را به مثابه بخشی از واقعیت اجتماعی در نظر می‌گیرد. چارچوب نظری این تحقیق الگوی سه‌سطحی (لایه‌ای) نورمن فرکلاف است. ساختارهای اجتماعی، رویدادها، کنش‌های اجتماعی، ایدئولوژی، پیش‌فرض‌ها، دانش زمینه‌ای و طرحواره‌های ذهنی بخش‌هایی از مبانی و مفاهیم نظری تحقیق در تحلیل گفتمان انتقادی و تحقیق حاضر هستند.

• ساختارهای اجتماعی می‌توانند به‌مثابه عوامل بالقوه‌ای تلقی شوند که در قالب رویدادهای اجتماعی به صورت بالفعل تحقق می‌یابند. رابطه بین ساختارها و رویدادهای اجتماعی به‌وسیله اعمال یا کنش‌های اجتماعی برقرار می‌شود. این اعمال اجتماعی بر انتخاب از میان گزینه‌های ممکن بالقوه موجود در ساختارهای اجتماعی برای به‌بالفعل تبدیل شدن نظارت دارند (Fairclough, 2010: 74). هریک از سه سطح انتزاعی بالا (ساختارهای اجتماعی، رویدادهای اجتماعی و کنش اجتماعی) یک بعد نشانه‌شناختی به شرح ذیل دارند (همان):

- الف. ساختارهای اجتماعی ← نظام‌های نشانه‌شناختی^۱ (مانند نظام زبان)
- ب. اعمال کنش‌های اجتماعی ← نظم گفتمانی^۲
- ج. رویدادهای اجتماعی ← متون^۳ (اعم از زبان گفتاری، نوشتاری، پاره‌گفته‌ها، جملات)

• ساخت‌های زبانی

منظور از ساخت، ساخت‌های زبانی در نظام‌های مختلف زبان‌شناختی است؛ یعنی



ساخت‌های آوایی و واجی در نظام آوایی و واجی، ساختواژه و واژگان در نظام صرفی، ساخت‌های نحوی و مفاهیم و راهبردهای معناشناختی و کاربردشناختی و ساختارهای گفتمانی با همه ابعادشان آن، حتی نظام خط و نگارش (آیین نگارش) و نوع گرافیک. در تحقیق حاضر به دلیل محدودیت و رعایت اختصار، منظور از ساخت‌های زبانی همه موارد بالا به جز ساخت‌های آوایی، واجی و نگارشی است.

• ایدئولوژی‌ها

ایدئولوژی‌ها بازنمون متناسب به نهاد اجتماعی، بازتولید و تغییر مناسبات اجتماعی قدرت و سلطه (روش‌هایی که معانی در خدمت تثبیت مناسبات سلطه قرار می‌گیرند) هستند. رویکردهای مختلفی نسبت به مفهوم ایدئولوژی وجود دارد که تفاوت عمده آن‌ها در تعریف و نگاه توصیفی به مفهوم ایدئولوژی در مقابل نگاه انتقادی به آن است؛ مانند تامپسون (1984)، لارین (1989)، ایگلتون (1991)، وان دایک (1998). در نگاه انتقادی، ایدئولوژی‌ها یکی از لوازم هنجارسازی قدرت هستند که مناسبات و روابط قدرت را به‌طور عموم از طریق هژمونی (سلطه) ایجاد و محافظت می‌کنند، نه لزوماً از طریق خشونت و فشار (Fairclough, 2010: 73). از نظر وان‌دایک ایدئولوژی‌ها نظام‌های عقاید یا نظام باورها هستند که از نگاه اجتماعی - شناختی به مثابه بازنمایی مشترک گروه‌های اجتماعی و به دیگر سخن به‌عنوان اصول بنیادین چنین بازنمایی‌هایی هستند (Van Dijk, 2006: 116-117). وی معتقد است ایدئولوژی‌ها پایه و مبنای تصویر مشترک گروه‌های اجتماعی را منعکس می‌کنند و در واقع ایدئولوژی هویت، کنش‌ها، اهداف، معیارها، ارزش‌ها و منابع گروه را تبیین و ارتباط آن گروه را با دیگر گروه‌های اجتماعی معین می‌کنند.

• ساخت‌های ایدئولوژیک و راهبردهای گفتمانی و کاربردشناختی

وان‌دایک معتقد است اگر بپذیریم که ایدئولوژی‌ها توسط گفتمان کسب، بیان و بازتولید می‌شوند، در نتیجه این اتفاق باید از طریق تعدادی از ساخت‌ها و راهبردهای گفتمانی رخ دهد. وی به‌عنوان نمونه، ضمیر «ما» را به‌عنوان یکی از این ساخت‌ها معرفی کرده، می‌نویسد: ضمیر «ما» یکی از این ساختارها است که بیشتر به منظور ارجاع یا اشاره به مفهوم درون‌گروهی گوینده حاضر به‌کار گرفته می‌شود. به‌لحاظ نظری و بسته به ساخت، هر ساختار تحلیل گفتمان ممکن است از نظر ایدئولوژی نشاندار باشد. لحن خاص، تکیه یا حجم

به‌کار گرفته شده در بیان یک واژه یا عبارت می‌تواند به‌عنوان گرایش نژادپرستانه یا جنسیت‌گرایانه تعبیر شود. ترجیح‌دادن برخی موضوعات بر برخی دیگر ممکن است بیانگر ایدئولوژی نولیبرال و یا ایدئولوژی مردسالارانه باشد و... (Van Dijk, 2006: 124).

• کنش‌های گفتار^۴

در هر موقعیتی وقتی گفته‌ای بر زبان جاری می‌شود یا نوشته‌ای روی چیزی درج می‌شود، به‌طور هم‌زمان سه کنش مرتبط با هم انجام می‌پذیرند که به شرح زیرند:

الف. کنش بیانی^۵ که به مثابه کنش بنیادی هر پاره‌گفتار است، همان تولید عبارت به‌لحاظ واژگانی، ترتیب واژگانی، نحوی و آوایی است (Brown, and yule, 1989: 231-232 & Yule, 2000: 48).

ب. گوینده با بیان هر پاره‌گفتار یا جمله علاوه بر کنش بیانی، معمولاً هدف و منظور و قصد خاصی را دنبال می‌کند که غالباً با کنش بیانی منطبق نیست و فراتر از صورت زبان‌شناختی است؛ درواقع پیام نهفته در متن است که متن، تنها سرنخ و نقطه آغازینی برای رسیدن به آن معنای منظورشناختی است. به چنین کنش کلامی، کنش منظورشناختی یا کاربردشناختی^۶ می‌گویند (ibid).

ج. علاوه بر قصد و منظور موردنظر گوینده یا نویسنده، کنش سومی نیز وجود دارد که کنش تأثیری^۷ است. در این نوع کنش گفتار، تولیدکننده متن علاوه بر دو کنش بالا به‌دنبال راهبردهای بلاغی یا دستوری یا روان‌شناختی و غیره است تا بتواند به شکلی کلام موردنظر را بیان کند که بر مخاطب تأثیر بگذارد؛ یعنی بیشترین تأثیرگذاری را داشته باشد (همان). این کنش همان است که فرکلاف از آن به‌عنوان «سبک یا ژانر چگونگی بیان» یاد می‌کند (Fairclough, 2010: 75 & 112).

علاوه بر انواع کنش‌های گفتاری فوق، از نظر آستین کنش‌های گفتار را می‌توان به دو دسته مستقیم^۸ و غیرمستقیم تقسیم کرد. منظور از کنش مستقیم وجود رابطه یک‌به‌یک بین ساختارهای نحوی گفته یا جمله و نقش ارتباطی آن است و منظور از کنش غیرمستقیم عدم رابطه یک‌به‌یک بین ساختارهای نحوی و نقش ارتباطی جمله است؛ به‌عنوان نمونه ساختارهای دستوری / نحوی در زبان انگلیسی برای همه کنش‌ها به سه صورت ساختارهای خبری، پرسشی و امری است و به‌ترتیب سه نوع کارکرد یا نقش ارتباطی (گزاره یا خبر،

پرسش و امر یا درخواست) دارند (Yule, 2000: 54-55 & Fairclough, 1998: 91-117).

• **پیش‌فرض:**

پیش‌فرض موضوعی است که گوینده یا نویسنده فرض می‌کند که پیش از بیان پاره‌گفتار و یا جمله حقیقت دارد. بر این اساس این گوینده یا نویسنده است که متن را می‌سازد و گزاره‌ها را بیان می‌کند، پس در واقع این گوینده یا نویسنده است که پیش‌انگاشت یا پیش‌فرض دارد (Yule, 2000: 25 & Brown, and yule, 1989: 30).

پیش‌فرض‌ها به انواع مختلف وجودی^{۱۰} و اژگانی^{۱۱}، پیش‌فرض بالقوه^{۱۱}، واقعیت‌پذیر^{۱۲}، ساختاری^{۱۳} (نحوی)، واقعیت‌ناپذیر^{۱۴} و پیش‌فرض خلاف واقع^{۱۵} تقسیم می‌شوند (Yule, 2000: 26-30) که هر یک از این مفاهیم نظری مبنای استدلال تحلیل داده‌ها هستند که مجال تعریف و شرح هر یک در اینجا نیست.

• **دانش پیش‌زمینه:**

مفهوم دانش پیش‌زمینه که در موضوع تحلیل گفتمان در زیرمجموعه گفتمان و فرهنگ جای می‌گیرد و با مفاهیمی همچون پیوستگی معنایی^{۱۶} و انگاره‌ها یا طرحواره‌های ذهنی^{۱۷} اعم از انگاره ایستا^{۱۸} و انگاره پویا^{۱۹} ارتباط تنگاتنگی دارد، عبارت از این است که سخنگویان یک زبان معمولاً در ذهن خود وجود پیوستگی معنایی را پیش‌فرض می‌گیرند و در واقع بر اساس این پیش‌فرض نوشته‌ها و گفته‌ها در چارچوب تجربه عادی افراد در زندگی قابل فهم می‌شوند. منظور از تجربه عادی موقعیت فرد است که با امور آشنا و قابل انتظار فرد پیوند خواهد داشت و همین آشنایی با موضوع و دانش پیش‌زمینه معمولاً مبنای پیوستگی معنایی در بافت گفتمانی با فرهنگ خاص است. در تأثیر دانش پیش‌زمینه بر انگاره‌های ذهنی می‌توان گفت که توانایی ما در تعبیر ناخودآگاه ناگفته‌ها و نانوشته‌ها باید بر مبنای ساختار معرفتی قبلی یا همان دانش پیش‌زمینه‌ای باشد. این ساختارها همانند الگوهایی آشنا از تجارب پیشین عمل می‌کنند که آن‌ها را برای معنی و فهم و تفسیر تجارب جدید به کار می‌گیریم که رایج‌ترین اصطلاح برای این گونه الگوها انگاره ذهنی^{۲۰} یا طرحواره ذهنی یا انگاره‌های ذهنی^{۲۱} است. این انگاره‌های ذهنی که به صورت ثابت^{۲۲} و یا پویا^{۲۳} در ذهن وجود دارند، نوعی انگاره معرفتی هستند که از پیش در ذهن وجود دارند (Yule, 2000: 83-88 & Brown, and yule, 1989: 83-88).

236-250). فرکلاف معتقد است که دانش پیش‌زمینه شامل دانش رمزگان زبانی، اصول و راهبردهای کاربرد زبان هنجار، موقعیت گفتمانی و دانش جهانی (درباره جهان و گفتمان جهانی) است (Fairclough, 1998: 36).

مفاهیمی همچون قدرت، بافت اجتماعی کنشگران اجتماعی، هژمونی، تغییر اجتماعی، بینامتنیت، بینابافتاری و تاریخ از دیگر مفاهیم نظری در تحلیل گفتمان انتقادی هستند که در این مقاله به آن‌ها نمی‌پردازیم.

اینک با استناد به برخی شواهد زبانی بافت اجتماعی و گفتمانی به‌طور عملی به چگونگی به‌کارگیری ساخت‌های ایدئولوژیک در مطبوعات برای ایجاد و انتقال معنا و پیام موردنظر نویسنده در متن می‌پردازیم.

۴. تجزیه و تحلیل نمونه‌های ساخت‌های زبانی ایدئولوژیک

اصلاح‌طلبان به قدرت مردم اتکا دارند (روزنامه آرمان روابط عمومی ۱۳۹۰/۵/۱۲)

۴-۱. سطح توصیف

جمله بالا از لحاظ ساخت نحوی، ساختی بی‌نشان از نوع معلوم است و فاعل نحوی^{۲۴} و مبتدای گفتمانی^{۲۵} بر هم منطبق هستند.

تقطیع جمله:	<u>اصلاح‌طلبان</u>	<u>به قدرت مردم اتکا دارند.</u>
تقطیع نحوی:	فاعل نحوی / نهاد	گزاره
تقطیع گفتمانی:	مبتدای گفتمانی / آغازگر	خبر / پایان بخش

در جمله بالا جایگاه فاعل با فاعل جاندار اشغال شده، یعنی فاعل (واژه اصلاح‌طلبان) عامل و کنشگر است و بخش دوم جمله درباره نهاد یا فاعل جمله گفت‌وگو می‌کند که گزاره یا همان عبارت «به قدرت مردم اتکا دارند» است. از لحاظ تحلیل جمله از نگاه نقش‌گرایی، جمله بی‌نشان بالا، ساختار بخش آغازگر^{۲۶} و سپس بخش پایانی^{۲۷} دارد که طبق نظر هالییدی

آغازگر عنصری است به‌عنوان نقطه شروع یا عضوی است که پایان‌بخش درباره آن خبر یا اطلاع می‌دهد (Halliday & Mattiessen, 2004: 64-68).

در جملات معلوم یا بی‌نشان فاعل منطقی یا فاعل نحوی منطبق با مبتدای گفتمانی یا عنصر آغازگر و گزاره منطبق با عنصر پایان‌بخش است و در جمله بالا نیز این انطباق‌ها وجود دارد.

از لحاظ کاربردشناسی و معناشناسی نیز جمله بالا از نوع کنش بیانی است که از واژگان و ساختار معنایی و ترتیب واژگانی مجاز زبان فارسی بهره برده است؛ لذا پذیرفته و معنی‌دار است و معنای معناشناختی معینی را به مخاطب منتقل می‌کند. به‌لحاظ تقسیم‌بندی کنش‌های گفتار مستقیم و غیرمستقیم آستین، این جمله از نوع مستقیم است، زیرا رابطه بین صورت ساختاری جمله و نوع نقش ارتباطی آن، دارای صورت ساختاری خبری و نقش ارتباطی گزاره (خبر) است، یعنی رابطه یک‌به‌یک بین صورت ساختاری و نقش ارتباطی کنش گفتار موردتحلیل وجود دارد (yule, 2000: 54-55).

تا اینجا که به توصیف زبانی پرداخته‌ایم، هنوز جمله بالا از نظر ساختار، ایدئولوژیک محسوب نمی‌شود، اما اگر لایه‌های تفسیر و تبیین تحلیل گفتمانی انتقادی (به شرح ذیل) شویم، خواهیم دید که نمونه بالا ساختی ایدئولوژیک دارد و همه تحلیل‌های نحوی و معنایی و کاربردشناسی دارای بار ایدئولوژیکی می‌شوند.

۲-۴. سطوح تفسیر و تبیین

بر اساس آنچه در بخش نظری تحقیق حاضر درباره مفاهیم نظری ساخت‌های ایدئولوژیک آمده است، در تحلیل گفتمانی، نقش بافت -خواه بافت از نوع بافت زبانی یا هم‌بافت باشد، خواه از نوع بافت موقعیت در سطح خرد و کلان - در تولید معنا و نوع معنا در یک ارتباط، بسیار مهم و تعیین‌کننده است. وقتی صحبت از بافت موقعیت می‌شود، قطعاً همه عناصر سازنده آن، یعنی مکان، زمان، هدف شرکت‌کنندگان یا اشخاص درگیر در تعامل و جایگاه و موقعیت اجتماعی و سیاسی شرکت‌کنندگان، منبع قدرت، قدرت و شأن اجتماعی، جایگاه و موقعیت گفتمان موردبحث در مقابل گفتمان رقیب و ...، مورنظر است؛ لذا در تحلیل گفتمان انتقادی، راجع به عنوان مورد تحلیل، باید در سطح بافت اجتماعی در ارتباط با مراکز قدرت و

ایدئولوژی مطرح، گفتمان موردنظر در تناظر با گفتمان رقیب مطرح شود تا تحلیل انتقادی قابل‌دفاع و مورد قبولی برای آشکارسازی معنا و پیام نهفته در آن سوی صورت زبانی حول پاسخ به پرسش‌های ذیل حاصل شود:

- جمله یا نمونه موردتحلیل، عنوان چه روزنامه‌ای است؟
- روزنامه بالا در جناح‌بندی‌های گفتمان‌های رقیب در جامعه، حدوداً متعلق به کدام جناح است؟
- گوینده چه کسی، در چه جایگاه قدرت و پایگاه اجتماعی است؟
- مخاطب جمله چه کسی، در چه جایگاه قدرت، پایگاه اجتماعی و ... است؟
- مخاطبان جمله بالا چه کسانی هستند؟
- موقعیت گفتمان‌های رقیب در جامعه به‌لحاظ جایگاه قدرت سیاسی، اجتماعی و ... چگونه است؟
- چرا در این مقطع زمانی / تاریخی چنین گفته‌ای عنوان روزنامه می‌شود؟
- هدف از چنین اظهارنظری چه می‌تواند باشد؛ به دیگر سخن معنای منظورشناختی نهفته در متن، پیام افزون‌تر از معنای صورت زبانی و بیان غیرمستقیم چیست؟
- کنش تأثیری بر مخاطبان، اعم از کنش تأثیری بر مخاطبان جامعه دارای تفکر گفتمان خودی، رقیب (غیر خودی) و تلفیقی، یا مستقل و غیره چگونه است؟

۴-۲-۱. تفسیر و تحلیل در بافت موقعیت

جمله مورد تحلیل در مقطعی از تاریخ تحولات اجتماعی و رقابت گفتمان‌های موجود در جامعه ایران مردادماه ۱۳۹۰ بیان می‌شود. در جامعه گفتمان‌های رقیبی همچون اصول‌گراها و اصلاح‌طلبان به عنوان گفتمان‌های اصلی وجود دارند؛ اگرچه در چند ماه اخیر گفتمان اصول‌گرا در درون خود ظاهراً به دو گروه تقسیم شده‌اند. گفتمان اصلاح‌طلبی به لحاظ قدرت اجتماعی، سیاسی و نظامی موجود به حاشیه رانده شده‌اند و گفتمان رقیب، یعنی اصول‌گرایی در واقع گفتمان غالب به‌لحاظ دسترسی به قدرت و تنها گفتمان بلامنازعه در همه سطوح قدرتی است. مسئله اصلی گفتمان اصول‌گرایی، انتخابات مجلس است که قرار است طی چند ماه آینده برگزار شود. اصول‌گرایان در تلاش هستند که به نحوی کوره انتخابات را داغ کنند، لذا نیاز دارند که گفتمان رقیب، یعنی اصلاح‌طلبان را با اینکه اصول‌گرایان معتقدند اصلاح‌طلبی



مرده است و نمی‌تواند ابراز وجود کند و جایگاهی در جامعه ندارد، به نحوی کنترل‌شده به رقابت بطلبند و آن‌ها را ترغیب به ورود به مبارزه انتخاباتی مجلس کنند تا تنور انتخابات را گرم کنند. پیش‌فرض اصول‌گرایان این است که اصلاح‌طلبان قدرتی ندارند و عملاً نمی‌توانند رقیبی جدی تلقی شوند و وجودشان کم‌رنگ است.

در مقابل، گفتمان اصلاح‌طلبان که در حاشیه قرار دارند، با وجود تحریک و چراغ سبز مکرر اصول‌گرایان برای ترغیب به شرکت در انتخابات، سکوت اختیار کرده‌اند و به نظر می‌رسد برای اینکه گفتمان اصلاح‌طلبی را زنده، پررنگ و آتش زیر خاکستر معرفی کنند، هر از چند گاهی یکی از چهره‌های منتسب در قالب مصاحبه یا شیوه‌های دیگر سخنی بیان می‌دارد، زیرا براساس مفاهیم نظری تحلیل گفتمان انتقادی حضور هر گفتمانی در جامعه از طریق زبان تجلی می‌یابد. در چنین بافت گفتمانی، شاهد مصاحبه خانم معصومه ابتکار، از چهره‌های منتسب اصلاح‌طلب با روزنامه آرمان روابط عمومی هستیم پس؛ گوینده کنش گفتاری یا جمله موردتحلیل، خانم معصومه ابتکار است.

روزنامه آرمان روابط عمومی، جمله ذیل را به عنوان یکی از عناوین اصلی خود با عکسی از خانم معصومه ابتکار منتشر کرده است.

عنوان اصلی: «اصلاح‌طلبان به قدرت مردم اتکا دارند».

عنوان فرعی: «انتخابات نیاز به اصلاح دارد».

عنوان جمله اصلی پیش‌فرضی از نوع پیش‌فرض وجودی دارد (Yule, 2000: 27 & Brown,) and yule, 1989: 29-30) که عبارت است از «اصلاح‌طلبان وجود دارند». دلیل این گفته این است که اگر جمله بالا را چه مثبت و چه منفی بیاورید، همچنان پیش‌فرض باقی است.

اصلاح‌طلبان به قدرت مردم اتکا دارند (پیش‌فرض: اصلاح‌طلبان وجود دارند).

اصلاح‌طلبان به قدرت مردم اتکا ندارند (پیش‌فرض: اصلاح‌طلبان وجود دارند).

پس بحث روی چگونگی اتکای قدرت آن‌ها می‌تواند موردنظر باشد، نه وجود اصلاح‌طلبان که به نظر گوینده، مردم نقطه اتکای آن‌ها هستند. از طرف دیگر از گزینش عناوین این روزنامه مشهود است که به نوعی نگاه انتقادی به گفتمان اصول‌گرایی دارد و درواقع کفه ترازو را به طرف اصلاح‌طلبان سنگین می‌کند و شاید به نوعی منعکس‌کننده دیدگاه‌های اصلاح‌طلبان است در نقطه مقابل گفتمان رقیب، یعنی اصول‌گراها.

درواقع علت بیان چنین نکته‌ای از طرف گفتمان اصلاح طلبی را باید دفاع اصلاح طلبان از گفتمان خودی و مردودشمردن پیش‌فرض گفتمان رقیب (اصول‌گرایان) درباره ضعیف بودن اصلاح‌طلبان دانست، زیرا اصلاح طلبان تصور می‌کنند اگر در مقابل تحریکات و گفته‌های مکرر گفتمان رقیب بر استراتژی سکوت اصرار ورزند، چنین سکوتی ممکن است به ضررشان بینجامد؛ یعنی در بین مخاطبان عام یعنی مردم، اعم از خودی، غیرخودی، تلفیقی و غیره ... تأیید بر ضعف‌شان و باعث تلقین و تقویت پیش‌فرض موردنظر اصول‌گرایان در ذهن آن‌ها شود، زیرا هم گفتمان غالب و هم مردم آگاهند که گفتمان اصلاح‌طلبی فاقد هرگونه قدرت دولتی است و گفتمان اصلاح‌طلبی نیز خود بر این باور صحه می‌گذارند. اما مردم و هیچ‌یک از گفتمان‌های رقیب این را باور ندارند که گفتمان اصلاح‌طلبی فاقد هرگونه قدرتی است.

لذا گفتمان اصلاح‌طلبی نیاز دارد خود را به منبعی از قدرت متصل کند که هم زایایی داشته باشد و هم مورد قبول عقل سلیم یا باور متعارف جامعه باشد، به طوری که بتواند با انگشت گذاشتن بر این نوع قدرت، طرحواره‌های ذهنی و دانش زمینه مخاطبان را برانگیزاند، در اینجا با توسل به نقش بینامتنیت، تاریخ، مذهب، فرهنگ و مخاطبان، جمله «اصلاح‌طلبان به قدرت مردم اتکا دارند» را برمی‌گزیند.

در نزد مخاطبان اگر گفتمانی به‌راستی به چنین منبع قدرتی متکی باشد بر نوع نگرش و قضاوت مخاطبان ملی‌گرا، بی‌تفاوت‌ها، اقلیت‌های مذهبی، ملی - مذهبی‌ها، مذهبی‌های سنتی و حتی لائیک‌ها تأثیرگذار است و در گفتمان جهانی نیز این جمله از لحاظ اینکه «قدرت مردم» قدرتی فراگیر و عام است مقبولیت دارد و مخاطبان دارای تفکر مذهبی نیز این مکان را دارند که طرحواره ذهنی رابطه خداوند قادر متعال با مردم را در بافت جامعه مذهبی فعال کنند و به این پشتوانه نظری قرآنی برسند که «يَدَا... مَعَ الْجَمَاعَةِ» (دست خدا با جماعت است) و در نتیجه تأثیرگذاری این گفته، جناح اصلاح‌طلب این توانایی را دارد که بر درصد قابل‌توجهی از مخاطبان گفتمان رقیب، یعنی اصول‌گرایان و حتی بر افراطیون آن‌ها نفوذ کند. چنین قدرتی (قدرت مردم)، که پشتوانه‌ی خدایی دارد، قطعاً امور به‌ظاهر ناممکن یا بسیار مشکل را ممکن و آسان خواهد کرد و چنین قدرتی را نباید ضعیف و کم‌رنگ پنداشت؛ بنابراین در تحلیل ساخت‌های ایدئولوژیک تحلیل گفتمان انتقادی با توجه به ارتقاء تحلیل از سطح توصیف زبان‌شناختی، یعنی هم‌بافت به سطح تفسیر و تبیین، یعنی اتصال متن با جامعه در بافت

گفتمانی و نهادهای قدرتی و ایدئولوژیکی رقیب در اجتماع، به معانی و پیام‌های پنهان اما تأثیرگذار و هدفمند در ماوراء متن دست می‌یابیم که هدف نویسنده و مدیران روزنامه است و می‌خواهند مخاطبان را تحت تأثیر آرا و افکار و در نهایت ایدئولوژی یا باورهای جمعی گفتمان خود قرار دهند.

کنش منظوری گوینده (خانم ابتکار) یا پیام بیش از صورت زبانی در قالب ساخت زبانی غیرمستقیم در عنوان روزنامه بالا برای دستیابی به کنش‌های تأثیری زیر است:

- گفتمان اصلاح‌طلبی حضور دارد، زیرا با زبان، اعلام موجودیت می‌کند و حرف برای گفتن دارد.

- باوجود ایدئولوژی و باور گفتمان غالب رقیب (اصول‌گرایان)، گفتمان اصلاح‌طلبی ضعیف نیست و در حاشیه قرار ندارد، بلکه در زمینه وجود دارد.

- منبع و اتکاء قدرت گفتمان اصلاح‌طلبی که در همه چیز، از جمله انتخابات، نقش سرنوشت‌ساز دارد، «قدرت مردم» است.

- گرچه گفتمان اصلاح‌طلب تأیید می‌کند که درمراکز قدرت دولتی نقش و قدرتی ندارد، اما قدرت مردم را بالاتر از هر قدرت دولتی و نقطه اتکای خود می‌داند.

جالب است که جمله فرعی ذیل عنوان اصلی، دارای تحلیل ظریفی است که در واژه «اصلاحات» نهفته است و در جمله «انتخابات نیاز به اصلاحات دارد»، آمده است.

واژه اصلاحات در این جمله به لحاظ معناشناسی ابهام معنایی دارد و به دو معنا است، یعنی دارای دو خوانش یا معنای «الف» و «ب» به شرح ذیل است که هر دو می‌تواند موردنظر گوینده گفتمان خودی (خانم ابتکار) باشد:

الف. «انتخابات نیاز به حضور اصلاح‌طلبان دارد»

ب. قانون انتخابات از نظر اصلاح‌طلبان نیاز به اصلاح دارد.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

اگر بخواهیم به‌طور مختصر با توجه به نمونه عملی ارائه‌شده، بحث کنیم که چگونه ساخت‌هایی از لحاظ تحلیل گفتمان انتقادی، ایدئولوژیک هستند می‌توان گفت:

الف. به لحاظ موضوع گفتمان، موضوعاتی که قابلیت طرح برای گفت‌وگو را دارند یا به

سخن دیگر، انتخاب موضوعی گفتمانی از میان موضوعات بالقوه و ممکن را ایدئولوژیک می‌گویند؛ مثلاً اگر سردبیر روزنامه در بین موضوعات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، ورزشی و یا ... در مطبوعات هریک را که به‌طور بالقوه می‌توانند موضوع گفتگو قرار گیرند یکی را انتخاب کند، انتخاب چنین گفتمانی ایدئولوژیک است، زیرا که با چنین انتخابی به دنبال تولید و یا بازتولید و القای پیام و معنای خاصی در ذهن مخاطبان است. گفتمان در بافت مکانی یا زمانی و تاریخی خاص نیز از نوع گفتمان‌های ایدئولوژیک به‌شمار می‌روند؛ چنین گفتمان‌هایی مرتبط با قدرت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی با اهداف ویژه و باورهای گروه خاص در جامعه، موردنظر گفتمان خودی در تقابل با گفتمان رقیب هستند.

ب. از لحاظ نحوی همه ساخت‌های نشاندار نحوی به نوعی ساخت‌های ایدئولوژیکی هستند، زیرا با انتخاب ساخت‌های نحوی مجاز ممکن در آن زبان گوینده یا نویسنده یک جمله یا پاره‌گفتار را انتخاب و به واحدهای اطلاعی خاص و با ارزش‌های متفاوت تقطیع می‌کند و سپس با حرکت و جابه‌جایی سازه‌های نحوی و یا با انتخاب یک ساخت دستوری خاص از میان شقوق بالقوه ممکن از قبیل معلوم، مجهول، ساخت اسنادی، شبه‌اسناد، برجسته‌سازی و ... در یک پاره‌گفتار، برای ایجاد معنای موردنظر و القای آن به‌کار می‌برند. در مقابل، بیشتر ساخت‌های نحوی بی‌نشان در مرحله توصیف زبانی و کنش بیانی و معناشناختی، ایدئولوژیک نیستند، اما همین ساخت‌های بی‌نشان وقتی در مرحله تفسیر و تحلیل در بافت قرار می‌گیرند، ایدئولوژیک می‌شوند.

ج. ساخت‌های ایدئولوژیک به لحاظ معناشناسی از طریق حذف و اظهار، ترادف، هم‌آوایی، هم‌نویسی و تضاد، استعاره، مجاز و فنون بلاغت معنایی در متن، اعم از بالاتر از جمله و یا در سطح واژگانی، به دنبال آن هستند که در ذهن خواننده و یا شنونده دانش پیش‌زمینه‌ای خاصی را فعال کنند و به کمک استعاره‌های ذهنی، طرحواره‌ها و قالب‌های ذهنی معنای خاصی را تداعی و یا ایجاد کنند.

د. ساخت‌های ایدئولوژیک از جنبه کاربردشناختی نیز بر انواع پیش‌فرض‌ها، اعم از واژگانی، وجودی، خلاف واقع ساختاری و غیره و همچنین بر انواع کنش‌های سخن و نیروهای منظوری اعم از پاره‌گفتارها و جملات مستقیم، غیرمستقیم، کنش بیانی، منظورشناختی، تأثیری، انواع تلویحات و انواع اشاره‌گرها استوار است تا بر مبنای این‌گونه

مفاهیم نظری و راهبردی کاربردشناختی، نویسنده یا گوینده بتواند اولاً پیام بیشتر و فراتر از صورت زبانی موجود در متون را به خواننده یا شنونده منتقل کند و ثانیاً نشان دهد که متن و واژه و ساخت واژه می‌تواند با انتخاب راهبردهای بالا براساس منظور گوینده معانی متفاوت و متکثری داشته باشد. نویسنده یا گوینده می‌تواند به صورت تلویحی و غیرمستقیم ذهن خواننده را چنان هدایت و نظارت کند که به سوی معنا و پیام نانوشته موردنظر سوق دهد.

ه. جملات و پاره‌گفتارها را به لحاظ نگارشی نیز می‌توان در بافت و متن موردنظر دارای «ساخت ایدئولوژیک» از نوع نگارشی قلمداد کرد؛ مثلاً با استفاده از شماره قلم، نوع قلم و خط متفاوت با متن اصلی و یا زیر خط کشیدن یا سیاه کردن واژه. هرگاه عبارت یا جمله‌ای از صورت نگارش بی‌نشان فاصله گرفت ساخت نشاندار از نوع نگارشی تولید می‌شود که ایدئولوژیک هستند، یعنی نویسنده با این عمل منظور و هدف ویژه و پیام خاصی را دنبال می‌کند که باید رمزگشایی و کشف شود.

به طور خلاصه وجه مشترک همه ساخت‌های ایدئولوژیک که در بالا ذکر شد در تحلیل گفتمان انتقادی، ایجاد، نظارت، حفظ و هدایت معنای موردنظر در ذهن مخاطبان است در جهت متقاعدسازی و همسوکردن اذهان مخاطبان با نوع تفکر و نگرش گفتمان موردنظر و در نهایت القای ارزشگذاری و قضاوت مخاطبان به نفع گفتمان خاص.

تحقیق حاضر به چپستی و چگونگی بازنمایی و سپس تحلیل عملی یک مفهوم بنیادی با عنوان ساخت‌های ایدئولوژیک در تحلیل گفتمان انتقادی و تعریف اجزای سازنده این مفهوم پرداخت و به نتایج ذیل دست یافت:

به صورت‌های زبانی، پاره‌گفته‌ها و جمله‌ها ساخت‌های زبانی گفته می‌شود، به شرطی که دارای نظام‌های واژگانی، نحوی، معنایی، کاربردشناختی و حتی نگارشی مجاز و ممکن در زبان باشند و در بافت‌های گفتمانی خاص به‌کار رفته باشند. ایدئولوژی‌ها، نظام باورها، عقاید، باید و نبایدهای گروه‌های اجتماعی هستند که از نگاه اجتماعی - شناختی به‌عنوان بازنمایی مشترک آن‌ها محسوب می‌شوند. از تلفیق مفهوم این ساخت‌های زبانی و ایدئولوژی، «ساخت‌های زبانی ایدئولوژیک» در تحلیل گفتمان حاصل می‌شود که با توجه به مفاهیم نظری و تحلیل داده‌های موجود در متن مقاله می‌توان گفت که همه ساخت‌های زبانی به صورت بالقوه می‌توانند بار ایدئولوژی داشته، اما به صورت بالفعل تنها آن دسته از

ساخت‌های زبانی، ایدئولوژیک هستند که علاوه بر معنای معناشناختی و یا کنش بیانی دارای معنا و پیام تلویحی یا کنش منظوری و تأثیری در تقابل با گفتمان‌های رقیب در بافت گفتمانی خرد و کلان باشند. به دیگر سخن «ساخت‌های ایدئولوژیک» رابطه یک‌به‌یک بین صورت زبان‌شناختی در متن و پیام قابل‌انتقال ندارند. در چنین ساخت‌های زبانی، پیام بیش از صورت زبانی است و فزونی پیام متأثر از فراخواندن و فعال‌شدن طرحواره‌های ذهنی، تاریخی، فرهنگی و اجتماعی مخاطبان است.

همه ساخت‌های زبانی نشاندار، اعم از صورت نحوی از قبیل مجهول، اسنادی، شبه‌اسنادی، معنایی و واژگانی و ...، ایدئولوژیک هستند، اما ساخت‌های زبانی بی‌نشان معمولاً همان‌طور که در متن مقاله در تحلیل جمله بی‌نشان «اصلاح‌طلبان به قدرت مردم اتکا دارند» آمده است، معمولاً در مرحله یا سطح توصیف با معنای معناشناختی و کنش بیانی ایدئولوژیک نیستند، اما همین ساخت‌های زبانی بی‌نشان وقتی وارد لایه تفسیر و تبیین می‌شوند و در بافت موقعیت قرار می‌گیرند، ایدئولوژیک می‌شوند. در سطح توصیف، تأکید بر توصیف زبانی بر مبنای آموزه‌های زبان‌شناسی است و در سطوح تفسیر و تبیین، تأکید بیشتر بر استفاده از مفاهیم و راهبردهای جامعه‌شناسی و علوم سیاسی است. تحلیل «ساخت‌های ایدئولوژیک» در تحلیل گفتمان انتقادی یعنی تحلیل متن با استفاده از آموزه‌ها و راهبردهای علوم زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی و ارتباط منطقی آن‌ها در بافت گفتمان‌های رقیب در جامعه انسانی؛ آن‌گونه که استفاده از این علوم و ارتباط منطقی بین آن‌ها در متن مقاله به صورت عملی نشان داده شده است.

۶. پی‌نوشت‌ها

1. semiotic systems
2. order of discourse
3. texts
4. speech acts
5. locutionary act
6. illocutionary act
7. perlocutionary act
8. direct Speech act
9. existential presupposition
10. lexical presupposition



11. potential presupposition
12. factive presupposition
13. structural presupposition
14. non-Factive presupposition
15. counter factual presupposition
16. coherence
17. schemata
18. frame
19. script
20. schema
21. schemata
22. Frame
23. script
24. subject
25. discourse topic
26. theme
27. rheme

۷. منابع

- آقاگل زاده، فردوس. (۱۳۸۳). «روش‌شناسی تحقیق در تحلیل گفتمان انتقادی». **مجموعه مقالات ششمین کنفرانس زبان‌شناسی به کوشش ابراهیم کاظمی**. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- ----- (۱۳۸۵). **تحلیل گفتمان انتقادی**. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی .
- ----- (۱۳۸۹). **تحلیل گفتمان رادیو بر پایه نظریه‌ها و راهبردهای زبان‌شناسی**. تهران: طرح آینده.
- آقاگل زاده، فردوس و مریم غیاثیان. (۱۳۸۶). «رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی» **مجله زبان و زبان‌شناسی**. انجمن زبان‌شناسی ایران. س ۳، ش ۱، پ ۵.
- دبیرمقدم، محمد. (۱۳۷۸). **زبان‌شناسی نظری، پیدایش و تکوین دستور زایشی**. تهران: انتشارات سخن.
- سلطانی، علی‌اصغر. (۱۳۸۷). **قدرت، گفتمان و زبان: سازکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران**. تهران: نشرنی.

- یارمحمدی، لطف ا. (۱۳۸۵). *ارتباطات از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی*. تهران، هرمس.
- Brown, G. and G. Yule. (1989). *Discourse Analysis* (reprinted). Cambridge: Cambridge University press.
- Eagleton, T. (1991). *Ideology*. Verso.
- Fairclough, N. (1989 a). *Language and Power*. London: Longman.
- ----- (2001). "The Discourse of New Labour: Critical Discourse Analysis" in M. Wetherell and et al (eds). *Discourse as data: A Guide for Analysis*. London: Sage.
- ----- (2010). *Critical Discourse Analysis: The Critical Study of Language* (second ed.). UK: Longman.
- Jorgensen, M. and Louise Phillips. (2002). *Discourse Analysis as Theory and Method*. London: Sage.
- Halliday, M. A. K and M. I. M. Mattiessen. (2004). *An Introduction of Functional Grammar*, London: Arnold.
- Johnstone, Barbara. (2008). *Discourse Analysis*. (Second eds). UK: Blackwell.
- Richardson, John. E. (2007). *Analysing Newspaper: An Approach from Critical Discourse Analysis*. China: Macmillan.
- Silverstone, R. (1999). *Why Study the Media?* London: Sage.
- Thompson, J. B. (1984). *Studies in the theory of Ideology*. Cambridge: Polity Press.
- Van Dijk., T. (1998). *Ideology and Interdisciplinary approach*. London.
- ----- (2006). "Ideology and Discourse Analysis" in *Journal of political Ideologies*. No.11, Vol.2. pp. 115-140.
- Van Leeuwen, T. (1996). "The Representation of social Actor" in G. R Caldas Coulthard and Coulthard (eds). *Text and Practice*. London: Routledge.
- Yule, George. (2000). *Pragmatics* (fifth eds). London: Oxford University Press.